

وقتی وارد کلیسای آشتی در Taize می شوید، به زودی متوجه دیوار جنوبی کلیسا می شوید

چشم: نور از طریق هشت پنجره مربعی با رنگ های روشن به اتاق جریان می یابد. برادر اریک دو سوسور آنها را خلق کرد. برادر اریک در جوانی - پس از تحصیل در رشته هنر - در سال 1949 به جامعه تایز پیوست و یکی از ده همکار اول فری راجر بود. هشت پنجره نماد اعیاد و تعطیلات مسیحی است - و یکی به یکشنبه نخل اختصاص دارد: مسیح وارد اورشلیم می شود. این تصویر پنجره ای است که ما می بینیم.

هنر مسیحی از آغاز خود آنچه را که انجیل های چهارگانه در مورد این رویداد گزارش می دهند به تصویر کشیده است. سنت معینی از بازنمایی ایجاد شد که از نمادهای کلیسای شرقی تا نقوش چوبی اولین کتاب مقدس لوتر - و فراتر از آن ادامه یافت: در این نمایش می توانید یک طاق نما در سمت راست تصویر ببینید که نشان دهنده شهر اورشلیم گروهی با چشم دوخته به عیسی از دروازه بیرون می آیند. عیسی از سمت چپ سوار بر الاغ کوچکی می آید. گروهی دیگر او را همراهی می کنند و با او به سمت شهر حرکت می کنند. در سمت چپ بالای تصویر مردی را می بینید که روی درخت نشسته است. به نظر می رسد او شاخه خرما را می شکند.

دو گروه به سمت یکدیگر حرکت می کنند و در وسط تصویر به هم می رسند - جایی که مسیح راست و جدی روی الاغ خود نشسته و دست خود را به نشانه سلام بلند می کند: سلام سلام. برخی از مردم هدایایی برای پذیرایی محترمانه از عیسی حمل می کنند: شاخه های نخل و لباس هایی که در طول مسیر پهن شده اند. هیچ شور و شوق شادی در چهره آنها وجود ندارد، بلکه احترامی آرام است.

در هنر قرن های بعد، ورود به اورشلیم گاهی اوقات می توانست مانند یک طلسم روستایی، مانند یک گردش ویتسون در حومه شهر، بی آزار و هماهنگ به نظر برسد. مردم زیر درختان اردو می زنند. این منظره به منظره ای زیبا باز می شود و شهر اورشلیم به شکلی عاشقانه بر روی یک کوه قرار دارد. و در میانه همه چیز، مسیح بر الاغ، درخشان، حاکم، راست قامت، مانند یک بازدید کننده دولتی برجسته. مردم در مسیر او هستند، کنجاو، دوستانه، منتظر. بعضی ها لباس هایشان را مثل فرش قرمز پهن می کنند.

اما این راه اورشلیم است. و اورشلیم شهری دوستانه در کوه نیست. اورشلیم مرکز قدرت و از نظر سیاسی منطقه داغ است. اورشلیم مکانی پر از هیجان مذهبی، پر از تناقضات (در آن زمان، مثل الان)، پر از داغ و گروه های خشن است. هر کس وارد آنجا شود در خطر است. تشویق جمعیت تنها یک چهره این شهر است. دیگری نفرت، ترس، خشونت قدرت نام دارد.

فقط کمی طول می کشد تا "حصنا" به "مصلوبش کن" تبدیل شود. مسیح به اورشلیم می رود و می داند که چه چیزی در انتظار اوست. او تسلیم هیچ فریبکاری نمی شود. روح آشفته است او آرزوی مرگ را ندارد، اما او به خودش وفادار می ماند. او به خدا وفادار می ماند. او همین است. دانه گندمی که به زمین می ریزد تا میوه زیاد باشد می تواند بیاورد. و این ما را به مسیح می رساند. راه اورشلیم، همانطور که او به ما گفت، با تصویر پنجره ای از کلیسای آشتی در Taize روبرو شدیم.

ساز: Nada te turbe

ای دختر صهیون بسیار وجد بنما و ای دختر اورشلیم آواز شادمانی بده! اینک پادشاه تو نزد تو می آید. او عادل و صاحب نجات و حلیم می باشد و بر الاغ و بر گُره بچه الاغ سوار است (زکریا ۹،۹)

این پادشاه صلح است، بیا! «مرد صالح و یاور، فقیر - و سوار بر الاغ». هیچ آزادی‌بخش سیاسی، هیچ رهبر نظامی پیروز - که سوار بر اسب ظاهر می‌شود و هرگز بر یک حیوان کوچک و حقیر ظاهر نمی‌شود - زیرا مسیح - وعده‌ی زکریا نبی بر این اساس - هنگامی که بر کت الاغی سوار می‌شود، با مردمی برابر ملاقات می‌کند. پایه پاهای برهنه‌اش تقریباً زمین را لمس می‌کند... حکومت او در نزدیکی او به مردم، در مواجهه با آنها بیان می‌شود.

و فکر می‌کنم این تصویر از ورود به اورشلیم، همانطور که توسط برادر اریک طراحی شده است، شما را به یک رویارویی بسیار شخصی با مسیح دعوت می‌کند. بدون دروازه و خانه‌های شهر انجام می‌شود - شاید آنها در زمینه‌های مستطیلی قرمز و آبی در پس زمینه نشان داده شده باشند. این شامل تشویق مردمی نیست که شاخه‌های خرما را تکان می‌دهند و لباس‌های خود را در مقابل مسیح روی زمین پهن می‌کنند. فقط در بالا سمت چپ، تک شاخه نخل به رنگ آبی می‌درخشد.

و خود عیسی مستقیم و آرام سوار نمی‌شود و به جلو نگاه می‌کند - دستش به نشانه سلام بلند شده است - به سمت شهر و مردم آن. بزرگ و تنها، قاب را پر می‌کند. انگار کنار جاده ایستاده بودیم و او خیلی نزدیک ما سوار شده بود. نگاه جدی و پرسشگر خود را مستقیماً به سمت بیننده - به من، به ما - می‌گرداند و دستانش را به حرکتی که دعوت‌کننده و بی‌دفاع و در عین حال نشان‌دهنده به نظر می‌رسد، باز می‌کند: "اینجا را نگاه کن - من می‌آیم." من اینگونه هستم - «خیم و فروتن از دل». من برای تو کی هستم؟ چه کسی را انتظار دارید؟ آیا شما با تصویر عیسی زندگی می‌کنید؟

زبان تصویر بسیار ساده، بسیار واضح است: خطوط قوی، واضح، اشکال ساده، رنگ‌های قوی و در عین حال محدود. ماهیت پیام در این تصویر بیش از هر چیز در ژست‌ها، در نگاه، در خطوط قوی که هنرمند مسیح (پادشاه صلح) را به ما تقدیم می‌کند، منعکس شده است: مسیح به سوی ما رو می‌کند و ما را دعوت می‌کند - زیرا این پادشاه نمی‌خواهد بر مردم حکومت کند، بلکه می‌خواهد در آنها ساکن شود. به همین دلیل مهم است که جرأت کنند نگاه او را جلب کنند و او را به درون خود راه دهند.

دروازه شهر اورشلیم در تصویر دیده نمی‌شود. و با این حال چنین است، بنابراین مسیح در اینجا با این سخنان که یوحنا بشارت دهنده گزارش می‌دهد به خود اشاره می‌کند: من در (به سوی خدا) هستم. اگر کسی از طریق من وارد شود، نجات خواهد یافت و داخل و خارج خواهد شد و چراگاه خواهد یافت. (یوحنا 10:9)

آمین